

مکانیسم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در تحقق امنیت اجتماعی

مهدی روان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۶/۱۲

فصلنامه آفاق امنیت / سال سوم / شماره هفتم - تابستان ۱۳۸۹

چکیده

توجه به چگونگی تحقق امنیت اجتماعی در یک کشور و تحول در حوزه مفاهیم امنیتی مرتبط با آن، مفهوم امنیت را نیازمند بازتعریف دقیق‌تری می‌سازد. با گسترش مطالعات جدید در حوزه امنیت اجتماعی، این مقاله نیز در صدد پاسخگویی به این سؤال‌هاست که راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی چیست؟ مکانیسم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری چه نقشی در تحقق امنیت اجتماعی دارند؟ فرضیه مقاله، تحقق امنیت اجتماعی را در بهینه شدن دو مکانیسم کنترل بیرونی و کنترل درونی می‌داند.

در این مقاله پس از کالبدشکافی مفاهیم مرتبط با امنیت اجتماعی، شاخص‌های آن در چارچوب نظری بررسی می‌شود. تقسیم‌بندی شاخص‌ها به کلان و خرد در دو رویکرد فرصت‌سازی و تهدیدسازی نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. در نهایت، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی پس از بررسی مکانیسم‌های کنترل بیرونی (به صورت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و مکانیسم‌های کنترل درونی (به صورت نرم‌افزاری) ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها

امنیت، امنیت اجتماعی، کنترل درونی، تهدید، آسیب، قانون و مجری قانون

مقدمه

بی‌تردید هیچ عصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و هم‌چنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از امنیت و تأمین آن در جامعه نیست. امنیت برای تمام نظام‌های سیاسی و همه شهروندان، صرف نظر از میزان توسعه اقتصادی و اجتماعی و نوع ایدئولوژی، در اولویت قرار دارد. مقوله امنیت به عنوان یک آرمان و واقعیت و یکی از حقوق‌های اساسی مردم مطرح است. در نهایت، امنیت برآیند مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی محسوب می‌شود.

مهم‌تر از امنیت، موضوع احساس امنیت در جامعه و به عبارتی، ایجاد امنیت اجتماعی است. بعضی کارشناسان احساس امنیت در جامعه را مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند. ممکن است در جامعه‌ای امنیت به لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی افراد جامعه که از ارکان اصلی جامعه به شمار می‌روند، احساس امنیت نکنند.

هر چند بررسی این بعد از امنیت به معنای نادیده گرفتن سایر سطوح امنیت از جمله امنیت ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی نیست، توجه به این نکته ضروری است که موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده، جامعه و در نهایت نظام بین‌الملل ختم می‌شود. با وجود این، تأمین امنیت و احساس امنیت فردی و در نهایت، ایجاد امنیت اجتماعی در درجه اول به فرد بازمی‌گردد. فرد ممکن است به دو دلیل احساس ناامنی کند: نخست، عدم تربیت صحیح در خانواده به عنوان اساس و پایه شکل‌گیری شخصیت فرد؛ دوم، موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر جامعه که فرد ممکن است به سبب وجود پاره‌ای عوامل بازدارنده امنیت در جامعه، احساس ناامنی کند.

با در نظر گرفتن دو حوزه امنیت و احساس امنیت، پرداختن به امنیت اجتماعی، رسیدن به آن و راهکارهای تحقق آن از دغدغه‌های سیستم امنیتی کشور، به خصوص در حوزه درونی^۱ است. از این رو، مقاله حاضر درصدد ارائه راهکارهایی برای برداشتن گام‌های علمی برای شناخت موضوع تا فراهم‌سازی گستره‌های کارکردی- کاربردی آن است.

۱. حوزه درونی به محیطی اطلاق می‌شود که سیستم امنیتی هر کشور برای برقراری امنیت اجتماعی در آن محیط فعالیت می‌کند و بر آن نظارت مستقیم دارد.

بدین منظور در ابتدا با مفهوم‌شناسی تعاریف چندگانه امنیت اجتماعی، مفهوم مد نظر استخراج و ضمن بررسی آن در چارچوب نظری امنیت اجتماعی، شاخص‌های تهدیدهای کلان و خرد امنیت اجتماعی بیان می‌شود. شناسایی شاخص‌ها، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی را در دو مکانیسم کنترل بیرونی (سخت‌افزاری- نرم‌افزاری) و کنترل درونی برای ما مشخص می‌سازد. هر یک از دو مکانیسم یادشده در جای خود تشریح خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی امنیت اجتماعی

الف) رسیدن به مفهومی جامع

واژه‌های social security, community security, societal security در فارسی به امنیت اجتماعی ترجمه می‌شوند. social security که در برخی متون به «تأمین اجتماعی» نیز ترجمه شده است (طالب، ۱۳۷۷: ۲۱) حکایت از حفظ فرد در مقابل خطرهای دارد که اجتماع برای فرد رقم می‌زند. لذا از فرد در مقابل خطرهایی مانند بیکاری، فقر، گرسنگی، عدم دسترسی به بهداشت، آموزش و پرورش و ... که عامل آنها زندگی جمعی است، حمایت می‌کند. (کرباسیان، ۱۳۷۵: ۲۵۵) این واژه با مقوله امنیت در «مطالعات امنیت ملی»^۱ بسیار فاصله دارد؛ حتی می‌توان ادعا کرد از حوزه امنیت ملی خارج است. اگرچه سازمان‌های وابسته به بیمه‌های اجتماعی باید به طور رسمی جبران‌کننده ناملایمات برای افراد باشند و سعی در رفع آسیب‌هایی کنند که به فرد وارد می‌شود، سازمان‌هایی هم وجود دارند که وظیفه اصلی‌شان از میان بردن دلیل ایجاد این تهدیدها و آسیب‌هاست. بنابراین، تأمین اجتماعی فقط از فرد در مقابل مشکلاتی حمایت می‌کند که به علت زندگی در جامعه دامن‌گیر او می‌شود و در پی جبران آن برمی‌آید. (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۵) واژه community security را نخستین بار «فردیناند تونیس» مورد استفاده قرار دارد. (بیرو، ۱۳۷۰: ۵۷) اگرچه این واژه نیز به امنیت اجتماعی ترجمه شده است، تونیس با به کارگیری این واژه، چشم‌انداز خاصی را در نظر دارد. وی community را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که با یکدیگر ارتباطی چهره به چهره، مستقیم، عاطفی و دلسوزانه دارند که بالطبع چنین جمعی از افراد محدودی تشکیل



می‌شود. (فریز بی، ۱۳۷۴: ۳۱-۲۹) می‌توان گفت تونیس مصداق اجتماعی را خانواده، گروه دوستان، یک روستا و گروه قومی و مذهبی می‌داند. (زیتلن، ۱۳۷۳: ۲۵۴)

منظور تونیس از کاربرد این واژه، ضرورت حفظ و استمرار روابط چهره به چهره و مستقیم در چنین گروه‌های اجتماعی است. امنیت در اینجا به مفهوم مصون ماندن افراد عضو این گروه‌ها از فروپاشی یا گسیختگی روابط عاطفی و دلسوزانه است. تونیس اعتقادی به ابزارهای نظارت بیرونی و رسمی قانونی در برقراری امنیت در اجتماع ندارد، (کوئن، ۱۳۷۳: ۲۰۳) زیرا افراد به یکدیگر نزدیک‌اند و دائم در معرض نگاه مستقیم یکدیگر قرار دارند و همین ارتباط موجب کنترل آنها می‌شود و نیازی به ابزارهای رسمی نیست.

این مفهوم از امنیت اجتماعی (community security) به نوعی با بیان تونیس وارد دایره مفهوم امنیت ملی می‌شود؛ با این حال، چون نوع خاصی از زندگی جمعی را در نظر دارد، تنها می‌تواند در بخشی از مطالعات امنیتی مورد توجه قرار گیرد.

واژه societal security که اولین بار توسط دانشمندی به نام ویور^۱ به کار رفت، در فرهنگ فارسی به «امنیت اجتماعی» ترجمه شده است. رایج‌ترین مفهوم امنیت ملی میان صاحب‌نظران عرصه امنیت ملی تعریفی است که وی ارائه داده است.^۲ ویور می‌گوید: امنیت ملی بیشتر معطوف تهدیدهای خارجی است، از این رو، به حفظ حاکمیت و قلمرو نظر دارد. ([indey/www.ciaonet.org/wps/mobo7](http://www.ciaonet.org/wps/mobo7/indey))

در واقع، امنیت در بعد عینی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما باید به امنیت در بعد ذهنی نیز توجه کرد و صرف نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت، به چگونگی زندگی و شیوه‌های زندگی نیز نظر داشت. این مقوله‌ای است که امنیت اجتماعی به آن می‌پردازد و سازوکارهای استمرار آن را بررسی می‌کند.

بنابراین، برای امنیت اجتماعی یا امنیت جامعگی که مورد توجه صاحب‌نظران امنیت ملی است، از واژه societal security استفاده می‌شود که دلالت بر وجود امنیت برای جامعه دارد. اما به علت متداول نبودن واژه «امنیت جامعگی» از اصطلاح امنیت اجتماعی در تبیین این مفهوم مدد می‌گیرند. در این نگاه، community security نیز تنها به عنوان زیرمجموعه‌ای از امنیت اجتماعی مورد توجه است. (Ibid, P.8)

1. Wiour

۲. خاطرنشان می‌شود بیشتر کارهای ویور و بوزان با همکاری یکدیگر صورت گرفته است. ولی رساله دکتری ویور درباره امنیت اجتماعی بوده و او روی پردازش نظری این مفهوم بیشتر کار کرده است، لذا او را بانی اولیه مطرح کردن امنیت اجتماعی با مفهوم یادشده می‌دانند.



ب) تعریف و کالبدشکافی مفهوم امنیت اجتماعی

«امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود.» (The Societal Security Dilemma)

این تعریف متضمن سه نکته بنیادی است:

- توانایی

طبق نظر باری بوزان^۱، توانایی^۲ به معنی در اختیار داشتن و بهره‌برداری از مکانیسم‌های حقوقی و اداری به منظور ایجاد و حفظ امکانات و ایجاد مانع در بازدارندگی است. براساس این تعریف، احراز توانایی هم در جهت مثبت و رسیدن به تعالی است و هم در جهت منفی به منظور بازدارندگی، اما بیشتر بعد مثبت توانایی مورد تأکید است. برای مثال، یک هویت جنسی در پرتو برخورداری از توانایی، قادر است با ایجاد شرایط حقوقی، امتیازاتی را در زمینه طلاق، حضانت فرزند، اشتراک در دارایی و تعیین محل سکونت به دست آورد.

- امنیت گروهی یا امنیت هویت گروه‌ها

چنان که در امنیت ملی، دولت مرجع امنیت به شمار می‌آید و در امنیت فردی، فرد، در امنیت اجتماعی نیز مرجع امنیت گروه است.



نمودار ۱- شاخصه‌های امنیت

براساس نمودار فوق، مهم‌ترین مسئله در امنیت اجتماعی بقای هویت گروهی است. به عبارت دیگر، در جهان جدید گروه‌ها تمایلی ندارند هویت خود را در هویت‌های

1. Barry Buzan
2. Ability

دیگر هضم کنند، بلکه به علت دسترسی به امکاناتی که پیش از این در انحصار دولت بود، می‌خواهند از حالت من منفعل به من فعال درآیند و هستی و بالندگی خود را تثبیت کنند. به عقیده طرفداران امنیت اجتماعی، فشار جامعه، هستی آنان را ساقط می‌کند و باید مکانیسم و فضای اجتماعی را به گونه‌ای تعریف و ترمیم کرد که در آن هیچ هویتی نتواند هویت‌های دیگر را نابود کند. در حال حاضر، چنین چالشی با مهاجرت‌های گسترده و موج پناهندگی ناشی از مدرنیزاسیون صورت جدی به خود گرفته است. بدین علت، امنیت اجتماعی در کنار امنیت ملی به واحدی قابل توجه و انکارناپذیر بدل شده است.

- هویت گروه

هویت ناظر بر فلسفه وجودی انسان است و خواسته‌هایی را شامل می‌شود که به یک عامل (اعم از زنان، روحانیت، کارگران، قشرها، اقوام و...) و علایق آنها برمی‌گردد. به بیان دیگر، هویت گروهی خط تمایز یک گروه از گروهی دیگر است. این خط فاصل مانع می‌شود که این دو در یکدیگر تلفیق شوند. چنان که گفته شد، سه عامل مهم در ایجاد امنیت اجتماعی (توانایی، امنیت گروهی و هویت گروه) در تعامل با همدیگر و به صورت مکملی معنا دار هستند. بر این اساس، امنیت اجتماعی در شرایط زیر مطرح می‌شود:

- سیاست یک یا چند گروه در معرض خطرپذیری قرار گیرد.
- هویت گروهی اصیل‌ترین موضوع در تعارض باشد.
- جدال بر سر هویت گروهی (مانند یک اقلیت ارمنی در ترکیه)، امنیت ملی را به نحوی متأثر سازد. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲: ۱۱-۹)

۲. ادبیات امنیت اجتماعی

امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی، فقدان هراس از مورد حمله قرار گرفتن ارزش‌های مذکور است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) عنصر اساسی در این تعریف، مفهوم «ارزش‌ها» است که نیاز به توصیف غنی و تبیین قوی دارد تا از ابهام و کلیت تعریف امنیت بکاهد. بدین علت، سؤال‌هایی مانند موارد زیر مطرح می‌شود: ارزش‌های کسب‌شده کدام‌اند؟ آیا ذهنی هستند یا



عینی؟ ثابت‌اند یا متحول؟ آیا ماهیتی دوگانه و متناقض از هم دارند؟ چه تفاوت یا ارتباطی با مفاهیم دیگر مانند باورها، هنجارها، نمادها و ایدئولوژی دارند؟ (رک: محبوبی‌منش، ۱۳۸۰)

در ادامه سؤال‌های اساسی زیر نیز قابلیت طرح می‌یابند: امنیت را چه کسی تأمین می‌کند؟ برای چه کسی است؟ به چه منظوری است؟ امنیت برای دولت است یا مردم؟ امنیت برای نیل به عدالت است یا آزادی یا هر دو؟ آیا امنیت قابل حصول کامل است؟ چه کسی یا کسانی مسئولیت اصلی برقراری امنیت را به عهده دارند یا باید داشته باشند؟ بالاخره اینکه کدام تهدیدها امنیت را به چالش می‌کشند؟ پاسخ به این سؤال‌ها مستلزم طرح مباحثات و مطالعات پردامنه‌ای است که از حوصله این مقاله خارج است. هم‌چنین برای پرداختن به ادبیات موضوع (امنیت اجتماعی) نیاز است ابعاد، گستره و سطوح امنیت مشخص باشد. امنیت را شاید بتوان یکی از عناصر بنیادی بعد سیاسی نظم اجتماعی دانست که ابعاد متنوع ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی دارد و از لحاظ گستره نیز شامل حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

امنیت را می‌توان به دو سطح خرد و کلان نیز تقسیم کرد. هر بعد، گستره و سطح امنیت به خرده ابعاد دیگری تقسیم می‌شود. برای مثال، امنیت در سطح خرد شامل امنیت جانی، مالی، فکری، بیانی، اخلاقی، شغلی و حقوقی است و در سطح کلان نیز زیرسطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست‌محیطی را دربرمی‌گیرد.

۳. چارچوب نظری امنیت اجتماعی

برای رسیدن به چارچوب نظری امنیت اجتماعی ابتدا این مفهوم را تعریف و سپس شاخص‌های آن را بیان می‌کنیم.

اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای یک جامعه (شانس زندگی) (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۲۷) و سپس حفظ راه و روش زندگی آنها (شیوه زندگی) بدانیم، (گیدنز، ۱۳۷۱: ۹۱) در این صورت، امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه یا گروه خاص را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. برای نمونه اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آنهاست،



امنیت اجتماعی آنان عبارت است از رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که به ویژگی خاص آنها مربوط است. بنابراین، امنیت اجتماعی بر ساخته فضایی اجتماعی است و در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. دیگر اینکه امنیت در عبارت امنیت اجتماعی، متغیری مستقل است چون پاسداشت ارزش‌های خاص صاحبان یک هویت خاص در حکم فلسفه وجودی آنهاست. سوم اینکه امنیت اجتماعی به لحاظ معنایی نه به سطح امنیت فرد تنها مربوط است نه به امنیت ملی، بلکه رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در قالب یک گروه اجتماعی مانند خانواده یا یک مجمع قومی، مذهبی و غیره است. (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۶)

بر اساس این تعریف، امنیت اجتماعی شامل دو بخش می‌شود که مکمل یکدیگرند و از تقدم زمانی برخوردارند؛ چنان که شانس زندگی قبل از شیوه زندگی، در دستور کار امنیت اجتماعی قرار دارد. در واقع، امنیت اجتماعی در وهله اول باید زندگی افراد را تضمین کند و خطرهایی را از میان بردارد که زندگی اعضای یک جامعه را به مخاطره می‌اندازند و در وهله دوم، کمر به حفظ راه و روش زندگی آنها ببندد. در این تعریف، جامعه بر مجموعه افرادی دلالت دارد که به علت داشتن صفات مشترک دارای خصوصیات و خلیات مشابه‌اند. افراد یک جامعه از الگوهای رفتاری یکسانی بهره می‌جویند که به طور ضمنی به صفات مشترکی برمی‌گردد که میان آنان وجود دارد. بدین ترتیب، صفات مشترک مایه پیوند افراد جامعه به یکدیگر می‌شود و تشابه و همسانی میان آنان را رقم می‌زند.

در پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی، باید گفت امنیت برای افرادی است که آن جامعه را تشکیل می‌دهند. این افراد به علت اشتراک در جنس، قومیت، ملیت، سن، طبقه، شغل، خویشاوندی، علایق اجتماعی، هنری و ... هدف امنیت اجتماعی قرار می‌گیرند.

نکته نهایی اینکه امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی بین گروه‌های اجتماعی است. بر این اساس امنیت اجتماعی جزء بنیادی زندگی امروزی است.

پس از مشخص شدن محدوده مفهوم این واژه، برای پرداختن به راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی نیاز است شاخص‌های آن را بررسی کنیم.

با توجه به مرجع امنیت، شاخص‌ها نیز متفاوت‌اند. اگر مرجع امنیت، دولت



باشد، تهدیدهای نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی و آمادگی نظامی به نخستین ابزار تحقق امنیت بدل می‌شود؛ زیرا در این چارچوب آمادگی نظامی شرط حتمی برقراری امنیت است و شاخص‌های امنیت اجتماعی در این قالب صورت‌بندی می‌شوند. اگر مرجع امنیت، جامعه در نظر گرفته شود، تهدیدهای هویتی، منبع اساسی ناامنی هستند و پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه نیز اولین ابزار تحقق امنیت خواهد بود. عناصر هویتی گستره فراوانی دارند و عناصری هم‌چون قومیت، مذهب، محیط جغرافیایی و ... را دربرمی‌گیرند. آنچه در ذیل به عنوان شاخص‌های امنیت اجتماعی مطرح می‌شود، هویت بارز جامعه را بیشتر از بقیه عناصر نشان می‌دهد. (رک: نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۵-۸) در اینجا به بررسی دو سطح از شاخص‌های کلان امنیت‌بخش اجتماعی، یعنی شاخص‌های کلان و خرد می‌پردازیم.

۴. شاخص‌های کلان امنیت‌بخش

الف) حفظ زبان و ادبیات

زبان یک ملت، نظام معنایی یک جامعه و ابزاری مهم برای حفظ، شکل‌گیری و انتقال هویت به شمار می‌آید. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۳۰-۴۲۷) به میزان حفظ زبان و تبعات آن، حفظ فرهنگ و هویت جامعه امکان‌پذیر می‌شود و امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد. برعکس، تعلل در ترویج کامل زبان و ادبیات مکتوب، فرآیند فرهنگ‌سازی افراد جامعه را آسیب‌پذیر می‌کند و آنها را در معرض خطرها و تهدیدهای جدی قرار می‌دهد که در این حالت در زمره شاخص‌های امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد.

ب) لباس و نحوه پوشش

پوشش به عنوان عنصری فرهنگی، بارزترین سمبل و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه فرهنگی است که به راحتی فکر، روح و اندیشه مصرف‌کننده را آشکار می‌سازد. لباس نماینده آرام و آسان فهم برای بیان همگونی‌های فرهنگی در جامعه است که می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های امنیت در نظر آورد که بیان بخشی از فرهنگ جامعه را یدک می‌کشد. (رک: صارمی، ۷۷؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰)

ج) آگاهی از تاریخ و گذشته

شکل‌گیری احساسات عمیق و ریشه‌دار توده‌های مردم و تشبیت انگاره‌های جمعی در یک جامعه نیازمند جریان‌های درازمدت تاریخی و خاطرات ساخته‌شده از رخداد‌های مربوط به آن است. بنابراین، خودآگاهی تاریخی و علاقه و دلبستگی به تاریخ و تحولات گذشته هر جامعه سازنده و شکل‌دهنده وضعیت فرهنگی جامعه خواهد بود. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۵۳ و ۱۷۴) بدین ترتیب، آگاهی از حوادث و شخصیت‌های تاریخ و بازنگری آنان برای نسل حاضر از جمله شاخص‌های امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود؛ زیرا اعضای جامعه به میزان شناخت حیات اجتماعی گذشته بر فرهنگ خویش آگاهی می‌یابند و به راحتی تحت تأثیر انگاره‌های گوناگونی قرار نمی‌گیرند که ممکن است تهدیدی برای آنان تلقی شود. (رک: فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۷۹)

د) عادت، سنن و رفتارهای جاری

آیین‌ها، مناسک و برخی آداب و رسوم نشان‌دهنده سطحی از زندگی هستند که طی سالیان متمادی، ساخته و پرداخته شده و شکل گرفته‌اند. (ورجواند، ۷۶-۱۳۷۵) این عادات و رفتارهای جاری بخشی دیگر از فرهنگ ما را پدیدار می‌کنند، زیرا افراد را با مجموعه اعمال و رفتارهایی که ریشه در گذشته دارند، پیوند می‌زنند و موجبات همبستگی آنان را فراهم می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۹-۴۷۲) بدین ترتیب، فراموشی این سنن و عدم امکان اجرای آنها در حکم محروم‌سازی فرهنگ از پایه‌های خود و در نتیجه، نابودی پایه‌های آینده مشترک است. از آنجا که امنیت اجتماعی به حفظ فرهنگ جامعه توجهی ویژه دارد، فراموشی، کم‌رنگ و کم‌اهمیت شدن آن به لحاظ موانع قانونی و رسمی یا لحاظ عرف موجود در جامعه، تهدیدی برای امنیت به شمار می‌رود.

ه) اشاعه باورها و عقاید

از جمله شاخص‌های امنیت اجتماعی میزان امکانات گروه‌ها برای بیان باورها و عقایدشان است. به میزانی که گروه‌ها بتوانند مبانی نظری و فکری خود را مطرح کنند، به تقویت فرهنگ خود می‌پردازند و با خطرهای ناشی از فراموشی و سست شدن مبنای فرهنگ جمعی مقابله می‌کنند. برعکس اگر قادر به ارائه نظریات



عقلی و منطقی خویش نباشند، به تدریج در جامعه به فراموشی سپرده می‌شوند و فرهنگ‌شان در معرض نابودی قرار می‌گیرد و به این ترتیب، امنیت اجتماعی آنان به مخاطره می‌افتد. (رک: کوئن، ۱۳۷۲: ۳۹-۱۲۹؛ گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۹-۴۷۲)

این شاخص‌های پنج‌گانه، غیرمستقیم در تأمین امنیت اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و به صورت پنهان و ریشه‌ای فرهنگ اجتماع را از درون تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این راستا، می‌توان جامعه را به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم کرد. باورها و عقاید ضمن درهم‌آمیزی با ارزش‌ها، بعد ذهنی ایجاد می‌کنند و آیین‌ها و مناسک نیز بعد عینی جامعه را تشکیل می‌دهند. در این حالت از ارتباط متقابل آنان عینیت جامعه به منصف ظهور می‌رسد. بنابراین، باورها و مناسک، ارتباطی متقابل و دو طرفه دارند که تاریخ، دوام یا زوال آنان را رقم می‌زند و به گسترش یا نابودی آنان یا به تعبیری دیگر، به اعتبار یا عدم اعتبار آنان دامن می‌زند. از سوی دیگر، زبان که اعتبار میان تمام عناصر فرهنگی را امکان‌پذیر می‌کند و ابزار کارآمد ارتباطی است، در عین ارتباط با تمام عناصر فرهنگی، خود به عنوان کلیتی مستقل جلوه‌گر می‌شود و قابل طبقه‌بندی میان عناصر فرهنگی نیست. لباس نیز به عنوان یک شکل بیان، ابزار مکمل زبان به شمار می‌آید و سبب همبستگی صوری و ظاهری جامعه می‌شود و طبیعتاً تحت تأثیر باورها و عقاید و تاریخ شکل می‌گیرد. از آنجا که هویت تثبیت‌کننده فرهنگ‌های فوق و شناساننده تأثیرپذیری از فرهنگ و استقرار آن در کارکردهاست، می‌توان گفت تمایز فرهنگ و هویت در مفهوم قابل بررسی است نه در کارکرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۵. شاخص‌های خرد امنیت‌بخش

با توجه به تعریفی که از امنیت اجتماعی شد، حفاظت از امنیت به عوامل مختلف زیر بستگی دارد: تأمین نیازهای اساسی، ایجاد ارتباط جمعی، دادن هویت فرهنگی خاص به اعضا، حفظ و حراست از بقای جامعه و ایجاد و حفاظت از همبستگی و انسجام اجتماعی. هر گاه جامعه و نظامی اجتماعی کارکردهای فوق را از دست بدهد، کارکرد امنیت اجتماعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. تمایز تهدیدهای کلان و خرد به سطح و گستره تأثیرگذاری آنها منوط است. تهدیدهای کلان به صورت مستقیم در کاهش هویت و ایجاد خرده فرهنگ‌ها و به عبارتی، استحاله فرهنگی

تأثیر دارند، اما تهدیدهای خرد را به واسطه عوامل دیگری با عنوان «شاخص‌های تهدیدهای خرد امنیت اجتماعی»، در محورهای ذیل مورد اشاره قرار می‌دهیم:

الف) افزایش جمعیت و رشد جامعه شهری

پدیدار شدن کلان‌شهرهایی که تمام امکانات و وسایل رفاهی را در خود جای داده‌اند و مرکز نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، سبب سکنی‌گزینی غیرمتعارف شده است که پیامد آن ورود سیل آسای افراد جویای شغل، (نجاتیان، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۰؛ نورالهی، ۷۸: ۸) نقش اجتماعی، جایگاه اجتماعی و... به این شهرهاست. این امر تهدیدکننده امنیت اجتماعی است و موجب به هم ریختن ثبات اجتماعی مناطق مختلف و ناهمگونی جمعیت در این مناطق می‌شود. (رک: عطارزاده، ۱۳۷۸: ۷۴-۶۶؛ سلطانی، ۷۴: ۱۲۰)

ب) ذره‌ای و اتمی شدن افراد جامعه

افزایش جمعیت، گمنامی را در کلان‌شهرها رقم می‌زند و نتیجه آن ذره‌ای و اتمی شدن جمعیت است. رویکرد تهدیدزای این امر از بین رفتن یا عدم ترس افراد از شناخته شدن است که خود به گسترش مفاسد، جرایم و فعالیت‌های لمپنی می‌انجامد. (رک: رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۷؛ کلاه‌چیان، ۱۳۸۲)

ج) شکاف طبقاتی

بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه که پیامد آن نابرابری اجتماعی است، (کلاه‌چیان، ۱۳۸۲) عملاً با تعریف امنیت اجتماعی که هدفش زندگی اعضای یک جامعه (رعایت عدالت) است، مغایرت دارد و در سه حوزه رسمی (شغل، تحصیلات و درآمد) قابل اندازه‌گیری است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۹۳-۱۸۳)

د) حاشیه‌نشینی

گسترش شهرها از کمربند حاشیه‌ای آنها شروع می‌شود که دربرگیرنده افراد مهاجر، بیکار و دارای فرهنگ‌های مختلف است که درصدد دستیابی به امتیازات مرکز هستند. (حسین‌زاده، ۱۳۷۰) افراد این حوزه به دلیل داشتن فرهنگ‌های متفاوت،



پای‌بندی به فرهنگ خود را از دست می‌دهند و عملاً در پی فرهنگ‌گزینی برمی‌آیند نه فرهنگ‌پذیری. این افراد، پذیرش و گزینش فرهنگ را با منافع عادی خود رقیب می‌زنند. به این علت در رویکرد به هنجارها دیدی متعارض نسبت به مرکز دارند و فضای گفتمانی و عملی آنان فضایی حاشیه‌گونه است. (رک: زنجانی، ۱۳۷۱؛ محسنی، ۷۸) این فضا عملاً در خدمت تهدیدهای امنیت اجتماعی، مفاسد و نظایر آن درمی‌آید. (حاشیه‌نشینی پدیده نگران‌کننده غرب، ۱۳۷۲)

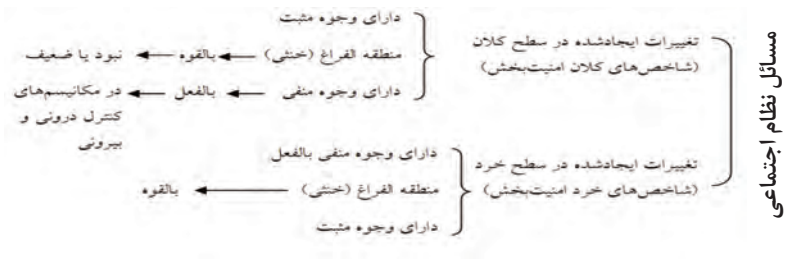
ه) یادگیری پنهان و در نتیجه تضعیف امنیت اجتماعی

سرعت، شتاب و توسعه ارتباطات که نتیجه آن یادگیری پنهان، ضعف کنترل‌های اجتماعی و ورود امواج و فرهنگ‌های ناهمگون بدون اجازه به حریم خانه‌های شخصی و اذهان افراد است، در نهایت به ضعیف شدن امنیت اجتماعی می‌انجامد که در سطح خرد یکی از شاخص‌های تهدیدزای امنیت اجتماعی است.

معرف‌ها یا شاخص‌های پنج‌گانه یادشده به صورت مستقیم در تأمین اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و هویت اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این شاخص‌ها در جنبه عینی فعالیت دارند و نوع رابطه آنان، تعامل چندگانه مستقیم است. بدین صورت که با بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه (شکاف طبقاتی)، معضل مهاجرت و حاشیه‌نشینی در دو قشر یا طبقه متوسط و پایین اجتماعی رخ می‌دهد و این دو قشر (با حضور در مرکز و پیرامون) موجب افزایش جمعیت و رشد جامعه شهری و در نتیجه ایجاد کلان‌شهرها می‌شوند. تراکم فرهنگ‌ها در کلان‌شهر، فقدان فرهنگ مسلط و چندپارگی فرهنگ‌ها به ذره‌ای و اتمی شدن افراد جامعه می‌انجامد که این خود تهدیدی برای امنیت اجتماعی جامعه است. اما آنچه این روند را تسریع می‌کند، عمل مهاجرت، مرکز‌نشینی، حاشیه‌نشینی و ایجاد کلان‌شهرهای بزرگ، یادگیری پنهان و توسعه ارتباطات است که هم به این امر یاری می‌رساند و هم ذره‌ای شدن جامعه را سبب می‌شود.

این دو مجموعه شاخص (کلان-خرد) در جنبه تهدیدزدایی خود اصول و مبانی امنیت اجتماعی را دچار خدشه می‌سازند:





نمودار ۲- شاخص‌های کلان و خرد امنیت‌بخش

به سخن دیگر، نا امنی اجتماعی تابعی از موارد ذیل است:

۱. وجوه منفی تغییرات ایجاد شده در نظام اجتماعی
۲. وجوه منفی عناصر نظام اجتماعی (تغییر یافته)

۶. راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی

با ارائه تعریفی جامع از امنیت اجتماعی در مباحث قبل و نیز بسترگشایی دو حوزه خرد و کلان امنیت اجتماعی، در این بخش به ارائه راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی از دو منظر مکانیسم‌های کنترل بیرونی و درونی می‌پردازیم. هدف از ارائه این راهکارها کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌هاست. به عبارتی، ما به دنبال مکانیسمی هستیم که فرصت‌یابی به کاهش تهدیدها غلبه کند.

الف) مکانیسم‌های کنترل بیرونی

یکی از محورهای تحقق امنیت اجتماعی پرداختن به مکانیسم‌های کنترل بیرونی است. در هر جامعه سالمی که در آن شرایط آنومی وجود نداشته باشد و برخوردار از یک سیستم کنترل بیرونی قوی باشد، احتمال انحرافات کم می‌شود. براساس نظریه اتکینسون^۱ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۱۴) هنگامی که انسان دست به عملی (A) می‌زند که از یک طرف، ارزش (V) آن عمل و از طرف دیگر، احتمال (E) اجرای آن عمل بیشتر از ارزش و احتمال اجرای عمل دیگر (B) باشد، (ارزش عمل VA × انتظار موفقیت عمل EA) > (ارزش عمل VB × انتظار موفقیت عمل EB)

$$(VA \times EA) > (VB \times EB)$$

1. Atkinson



برای مثال، وقتی ارزش کالایی که یک سارق می‌خواهد بدزدد (VA) زیاد و احتمال موفقیتش (EA) به علت کاهش کنترل بالا باشد و از طرفی احتمال گیر افتادن (EB) و میزان مجازات عمل (VB) پایین در نظر گرفته شود، انگیزه سرقت در سارق تقویت می‌شود. بنابراین، مکانیسم کنترل باید دو کارکرد داشته باشد: نخست، میزان مجازاتِ کارِ خلاف برای شخصِ خاطی پرهزینه باشد. دوم، احتمال کشف خلاف در زمان اجرا یا پس از آن (حضور نیروهای کنترل‌کننده) باید بسیار زیاد باشد.

مکانیسم‌های کنترل بیرونی را می‌توان به دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرد. در رویکرد سخت‌افزاری جنبه قدرت آشکار نیروی انتظامی یا امنیت انتظامی در به کارگیری قوانین و مجریان قانون مطرح است، اما در حوزه نرم‌افزاری به جای قانون یا کنترل بیرونی، کارکردهای کنترل و ایجاد سیستم نظارت درونی بیشتر مد نظر است.

– مکانیسم بیرونی سخت‌افزاری

• ایجاد ساختارهای سازمانی متناسب با تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی

از نگاه ادوین تافلر، زندگی انسان مجموعه‌ای از «تصمیم‌های با برنامه» و «تصمیم‌های بی‌برنامه» است. برخلاف تصمیم‌های با برنامه که از نظر روحی چندان گران تمام نمی‌شوند، تصمیم‌های بی‌برنامه یا تصمیم‌هایی که از قبل برنامه‌ریزی نشده‌اند، از جنبه روانی بسیار پرهزینه‌اند. (تافلر، ۱۳۷۳: ۶۶-۲۶۵) به اعتقاد او، تزریق سریع تازگی در محیط، توازن ظریف تصمیم‌های «با برنامه» و «بی‌برنامه» را در سازمان‌ها و زندگی خصوصی ما بر هم می‌زند. سرعت بی‌نهایت زیاد تحول، حکومت‌ها و سیاستمداران را غافلگیر می‌کند و احساس درماندگی و سردرگمی آنان را شدت می‌بخشد. (تافلر، ۱۳۷۱: ۵۶۱) این سردرگمی به حوزه سازمان‌های اجتماعی نیز کشیده می‌شود. با رشد آهنگ تغییر، شکل‌های سنتی و موجود سازمان‌ها که توان پاسخگویی به جریان رو به رشد تغییر و مسائل فردی و اجتماعی را ندارند، کهنه و منسوخ می‌شوند و عملاً اجتماع را به تجدید ساختارهای سازمانی می‌کشاند.

ذکر این نکته ضروری است که ایجاد ساختارهای متناسب با کاربرد حفظ امنیت اجتماعی، همانند نهادهای انتظامی، قضایی، اطلاعاتی و امنیتی باید بسته به شرایط

روز، محیط اجتماعی، محیط داخلی و بین‌المللی تعریف و در جهت تأمین امنیت اجتماعی در راستای برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها فعال شود.

• ایجاد رویه‌های قانونی متناسب با روح جامعه

دورکیم مسئله امنیت و نظم اجتماعی را از نظر منشأ، کمیت و کیفیت، چگونگی، حفظ و سازمان مربوط به حفظ آن و جلوگیری از اختلال در آن در کانون توجه قرار داد. (رک: دورکیم، ۱۳۷۳) به نظر وی، مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. نظم، فراگردی غیرارادی است که از درون جامعه خود به خود می‌جوشد. آنچه حافظ نظم است، عنصری اخلاقی است. (بشریه، ۱۳۷۳: ۴۸) او قویاً اظهار می‌دارد که جامعه‌شناسی علم واقعیات اخلاقی است. اخلاق در اندیشه دورکیم متشکل از سه عنصر اساسی است: قوانین، اتصال (همبستگی) و اختیار.

در باب قوانین (قواعد) می‌گوید اخلاق در نهایت سیستمی از قواعد برای هدایت فعالیت‌های مردم و مشتمل بر دو عنصر اصلی است:

اقتدار: قوانین (قواعد) اخلاقی با نوعی اقتدار آمیخته می‌شوند و مردم نسبت به آنها احساس تکلیف می‌کنند. لذا با توجه به قداستی که نزد مردم دارند، باید از آنها حفاظت شود.

مطلوبیت: قواعد اخلاقی تعیین‌کننده اهدافی مطلوب و جهت‌دهنده و جذب‌کننده انرژی افراد به سوی خویش و ناظر بر مفاهیمی خوب و مطلوب‌اند که از هنجارهای صرفاً لذت‌گرایانه متمایز می‌شوند.

بنابراین می‌توان دومین مکانیسم بیرونی سخت‌افزاری رسیدن به امنیت اجتماعی را قوانین و رویه‌های ایجابی به منظور حفظ ساختار و تأمین امنیت اجتماعی دانست. این رویه‌ها برای قانون‌گذار و مجری قانون، هنجار، هنجارشکنی و نظایر اینها را روشن می‌سازند. بر این مبنا در کشور ما قوانین زیر وجود دارد:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون و مقررات نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)

- قانون ضابطین بسیج

- مأموریت‌ها و تدابیر ابلاغی

- آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعی (اماکن و ...)



• مجری قانون (پلیس- نیروی انتظامی)

سومین مکانیسم بیرونی سخت‌افزاری، مجری قانون (پلیس) نام دارد. فلسفه وجودی نیروی انتظامی (پلیس) امنیت و نظم عمومی است. همه بخش‌های نیروی انتظامی چه بخش‌های عقیدتی و فعالیت‌های فرهنگی، چه بخش‌های حوزه اجتماعی و انتظامی، چه بخش‌های معیشتی همیشه بر این نکته تأکید دارند که خروجی کار باید بر امنیت تأثیرگذار باشد. لذا تأکید بر بخش عملکرد پلیس، اصل و مبناست و شاخص آن خروجی امنیت در مجموعه جامعه است. اما چرا پلیس را سخت‌افزار گرفته‌ایم؟! از آنجا که پلیس نماینده یک سازمان رسمی است و به صورت نیروی کنترل‌کننده سخت‌افزاری مناسب فعالیت می‌کند، آن را در این حوزه جای داده‌ایم. هرچند حرکت نیروی انتظامی به رویکردهای نرم‌افزاری علم انتظامی و ایجاد سازمان‌های غیررسمی، حرکتی جدید و قابل بررسی است، در حال حاضر، جنبه سخت‌افزاری آن در سه نوع حوزه فعالیت شامل عملیات روانی، عملیات اطلاعاتی و عملیات انتظامی کاملاً مشهود است. (قالیباف، ۱۳۸۲: ۲۲-۱۳)

• کارکرد (نحوه اجرای قانون)

چهارمین مکانیسم سخت‌افزاری بیرونی، نحوه اجرای قانون است. «ساترلند»^۱ می‌گوید: «یکی از ضعف‌های بزرگ روش‌های قضایی عصر حاضر تکیه مداوم بر تهدید به وسیله مجازات کردن برای جلب نظر مردم در احترام به قانون است. در حالی که هیچ‌گاه تاکنون با تهدید و ارباب، کسی قلباً و صمیمانه وادار نشده است به آنچه به زور بر او تحمیل می‌شود، احترام بگذارد.» (محققان، ۱۳۷۶: ۹-۸)

جدا از ارزش‌گذاری در چگونگی اجرای قانون و بررسی تأثیر آن در دو بعد منفی و مثبت یا حتی خنثی، می‌توان گفت نحوه اجرای قانون با تکیه بر تهدید که از آن به فقدان مدیریت جامع شهری و فقدان انتظام ساختاری، هنجاری و کارکردی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌نفع در تولید، نگهداری و توسعه امنیت عمومی و انضباط اجتماعی یاد می‌شود، از جمله مکانیسم‌های سخت‌افزاری بیرونی است. کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ کشور به علت گسترش و تراکم ناهمگون بافت قدیم و جدید، مهاجرت وسیع از روستاها، شکاف طبقاتی، آمایش نامناسب اماکن و صفوف، ضعف

سیستم‌های صنفی، ضعف شدید کانال‌های تصریح و تألیف منافع قشرها و صنوف مختلف، متوازن نبودن ابعاد توسعه در جغرافیای شهری، هزینه سرانه امنیت عمومی و انضباط اجتماعی را در شهرها افزایش داده است و عملاً با پدیده ناامنی مواجه شده‌ایم. نتیجه یک نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در سال ۱۳۸۰ مبین این گفته است. (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۰)

از این رو، نحوه اجرای قانون به عنوان یکی از مکانیسم‌های سخت‌افزاری مهم در جنبه بیرونی تحقق امنیت اجتماعی تأثیرگذار است و بدون دقت نظر در این سخت‌افزارهای بیرونی، ایجاد تعادل و نظم اجتماعی مشکل یا حتی غیرممکن به نظر می‌رسد.

– مکانیسم‌های بیرونی نرم‌افزاری

حوزه دوم مکانیسم‌های بیرونی را با عنوان «مکانیسم‌های نرم‌افزاری» می‌توان راهکاری برای تحقق امنیت اجتماعی دانست. از جمله این نرم‌افزارها عبارت‌اند از:

• ایجاد سازمان‌های غیررسمی

سازمان‌های غیررسمی هم‌چون اشخاص، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و ... به علت مشارکت متعارف افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند یکی از راهکارهای بیرونی ایجاد امنیت اجتماعی باشند. (رک: گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱؛ سیمیر ۷۸؛ روزنامه کار و کارگر، ۱۳۷۹) ثبت نام در فهرست‌های انتخاباتی، جست‌وجوی اطلاعات سیاسی از طریق لابی‌های سیاسی و صنفی، پیوستن به یک سازمان دارای اهداف جمعی (سندیکا، انجمن و گروه منفعت‌طلب) و پیوستن به یک حزب سیاسی زمینه‌های ایجاد چنین مشارکت‌هایی را فراهم می‌آورد. حضور افراد در تصمیم‌گیری‌ها، نقش داشتن آنان و باور داشتن خود و قبولاندن آن به دیگران از جنبه‌های نرم‌افزاری این تأثیرگذاری است که خود در تأمین امنیت اجتماعی جامعه نقش بسزایی دارد. نکته قابل تأمل در این رویکرد پرهیز از تبدیل این جریان‌ها و حوزه‌ها به گروه‌های فشار است، زیرا در صورت حرکت به سمت این رویه، دچار مشکل در تمیز اشکال خشن مشارکت از مشارکت متعارف می‌شویم و این رویکرد می‌تواند ما را به سمت و سوی خشونت سیاسی و در نهایت، بحران سیاسی بکشاند. (کار و کارگر، ۱۳۷۹)



• عمل سازمان‌های غیر رسمی (کارکرد)

عمل سازمان‌های غیررسمی را می‌توان در دو نظام تنبیه و تشویق مورد مطالعه قرار داد. (بنت و هس، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۵۱) در جوامع سنتی نظام قوانین براساس تنبیه بود. در اواخر قرون وسطی مجازات‌های شدید و غیرانسانی معمول بود و دو قدرت سیاسی و مذهبی با هم درگیر بودند. عده‌ای از پادشاهان برای حفظ قدرت از کلیسا جدا شدند و قوانین خاصی وضع کردند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در اواخر قرن ۱۸ دانشمندانی از جمله روسو، منتسکیو، ولتر و بنتام از قانون‌های مجازات بی‌رحمانه انتقاد کردند. (مظلومان، ۱۳۵۶: ۱۲۹)

جوامع مدرن نظام تشویق را جایگزین تنبیه کردند. در جوامع مدرن، نظام تشویق در سه محور مادی، معنوی و توزیع احترام (منزلت- پرستیژ) خلاصه می‌شود. ولتر رکلس درباره این سه محور می‌گوید: «این نظام تشویقی باعث ایجاد یک سری عوامل درونی شامل هنجارها و قواعد اجتماعی در فرد می‌شود که نتیجه آن امنیت اجتماعی است.»

این عوامل درونی عبارت‌اند از:

۱. کنترل رفتار
۲. وجدان قوی یا «خود» قوی
۳. تصویر درست رفتاری از «خود»
۴. «فراخود» کاملاً رشدیافته
۵. تحمل بالای ناکامی
۶. گزینش بالای ناکامی
۷. گزینش هدف
۸. مسئولیت‌پذیری
۹. دسترسی به راه‌های جانشینی برای کسب رضایت (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۲۸۰)

ب) مکانیسم کنترل درونی

از دید زیگموند فروید و ریزمن، انسان‌ها دارای سیستم کنترل درونی هستند. عواملی وجود دارند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع باز می‌دارند. یکی از این عوامل مهم مذهب است. اگر پای‌بندی‌های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد،

انسان‌ها کمتر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به طور درونی کنترل خواهند کرد که این قوی‌ترین و مؤثرترین نوع کنترل است؛ آن هم بدون هزینه نیروهای انتظامی و غیره.

در مقابل اگر نقش دین در جامعه و بین مردم تضعیف شود، امکان انحراف و آنومی به شدت افزایش می‌یابد. بدین منظور پرداختن به امور مذهبی افراد به خصوص جوانان و پاسخ به سؤال‌ها و شبهه‌های آنها موجب تداعی ساختار وجدانی در آنها می‌شود و وجدان خود به خود به صورت مکانیسم قوی درونی عمل می‌کند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸)

اگر وجدان را مکانیسم کنترل درونی بدانیم، چنانچه فرایند ناپیدای مکانیسم درونی به خوبی در جامعه حضور یابد و جزیی از شخصیت شهروندان شود، بهتر از مکانیسم‌های بیرونی (سخت‌افزاری- نرم‌افزاری) در رفع ناهنجاری‌ها و ابعاد امنیت اجتماعی مؤثر واقع می‌شود. برای بیداری و به عبارت بهتر، هوشیاری وجدان افراد جامعه و درونی کردن هنجارها و رسیدن به خودکنترلی محورهای ذیل مورد توجه است:

- تجربه کردن گروه‌های سنی

حضور نیروهای دانش‌آموز در مؤسسات علمی- تحقیقاتی برای روشن کردن اذهان آنان و انتخاب مسئولیت‌های آینده یکی از روش‌های کمک آموزشی است که سالیان درازی است به خدمت گرفته شده است. اعزام همین افراد به ندامتگاه، بازداشتگاه و مراکز تعلیم و تربیت بزهکاران می‌تواند تصویری جدید از جامعه، حوادث و واقعیت‌های آن در جوانان ایجاد کند و عملاً به عنوان عاملی بازدارنده و تأمین‌کننده امنیت اجتماعی از طریق مکانیسم درونی کارا باشد.

- شرکت در غم و شادی‌های خطاکاران و غیرخطاکاران

مشخص کردن و به نمایش درآوردن احساس شکست، غم و ناراحتی بازماندگان یک محکوم یا اعدای، ضمن شریک شدن وجدان‌ها، نقش تربیتی نیز دارد و فرد حین شریک شدن مرزهای خود را ترسیم می‌کند و پرتگاه‌ها را مشخص می‌سازد. شادی آزادی و پایان محکومیت در کسان و خانواده مجرم نیز چنین تأثیری دارد.



– ارتباط برقرار کردن با درون انسان‌ها

این ارتباط باید مستقیم و حقیقی باشد، نه به صورت تبلیغاتی و مجازی. آنچه هم اکنون از رسانه‌های تصویری پخش می‌شود، برداشتی دلخواهانه و مورد تأیید کارگردان است. اما اگر برقراری ارتباط و به تصویر کشیدن آدم‌های موفق و ناموفق به صورت صحیح و بدون صحنه‌سازی انجام گیرد، اثرش در عرصه‌های قانونی بسیار مثبت و در تأمین امنیت اجتماعی بارز خواهد بود.

– پرداختن به آموزش فرهنگ نه فرهنگ آموزش

در صورتی که انتقال یا آموزش فرهنگی از سنین بسیار پایین (۲ تا ۳ سالگی) انجام گیرد، شاکله فرهنگ‌سازی در دست مربیان و تعلیم‌دهندگان خواهد بود. این روند در کشور ما در حال حاضر در سنینی صورت می‌گیرد که شاکله شکل گرفته است (دوره‌های راهنمایی تا دبیرستان) و موفقیت بسیار ناچیز و ناهماهنگی کاملاً مشهود است. هزینه‌های بالای تبلیغات در خصوص مصرف، رعایت قوانین و نظایر اینها تنها زمانی جواب می‌دهد که از سنین پایین به آموزش فرهنگ توجه شود. پایین آوردن سن آموزش فرهنگ ایجاد امنیت اجتماعی را آسان می‌کند.

– تغییر مجری قانون

مجری قانون باید با رویکرد مکانیسم بیرونی تنها از افراد نظامی و ملبس به لباس قانون (پلیس) خارج و به سایر مجریان قانون تبدیل شود. در صورت موفق شدن در آموزش فرهنگ، دیگر با جنبه سخت‌افزاری مکانیسم بیرونی (پلیس) روبه‌رو نیستیم، بلکه فرزندان، کودکان جامعه، همسایه‌ها، شهروندان و به طور کلی تمام افراد جامعه امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه تذکرات خود قرار می‌دهند و به جای قانون در هنجارسازی‌ها نقش ایفا می‌کنند.

– تأمین منافع فردی در گرو حفظ منافع جمعی

تا زمانی که منافع فردی هر کس در اولویت باشد و فرد تنها درصدد کسب اولویت‌های خود برآید و منافع فردی خود را بر منافع جمعی ترجیح دهد، ایجاد نظم و تأمین امنیت حاصل از آن متصور نیست. اگر وجدان جمعی

جانشین وجدان فردی و منافع فردی شود و شخص منافع جمع، سازمان و گروه را بر منافع خود برتری دهد، امید به تأمین امنیت اجتماعی بسیار افزایش خواهد یافت.

- احترام متقابل به مثابه مؤلفه مهم برقراری امنیت اجتماعی

یکی دیگر از مکانیسم‌های درونی شدن وجدان جمعی که در تأمین امنیت اجتماعی به صورت نرم‌افزاری ایفای نقش می‌کند، احترام متقابل است. احترام فی‌مابین فرد با فرد، فرد با گروه، گروه با فرد، گروه با گروه و نظایر اینها می‌تواند حلقه‌های دوستی، وحدت و اجماع را در جامعه ایجاد کند. چنانچه این دوستی‌ها از مرحله شعارزدگی و ظاهری بودن به مرحله عینی بودن برسند، در تمام سطوح جامعه تأثیر مثبت خواهند داشت و عملاً امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد.

- جلوگیری از شکاف طبقاتی

با به کار بردن عنوان شهروند برای آحاد جامعه، به جای طبقه طبقه کردن جامعه (طبقه متوسط، خودی و ...) اجتماع تقویت می‌شود و رشد و توسعه دوام و بقا می‌یابد. هویت اجتماع ناظر بر شناخت و شناخته شدن است و این امر مستلزم قبول داشتن تمام اعضای آن به عنوان عضوهای مجزاست که ترکیبی کامل از شاکله جامعه را به وجود می‌آورند. این وحدت با ایجاد احترام و حتی شنیدن اعتراضات مخالفان و نماینده گرفتن از مخالفان قابل اجراست. به عبارتی، باید دشمن را به بی‌اعتنا، و بی‌اعتنا را به دوست تبدیل کرد، زیرا فرزند متعلق به خانواده است حتی اگر به انحراف کشیده شود. لذا وظیفه همه اعضای خانواده کمک به او و در مسیر درست قرار دادن اوست.

- ایجاد تعادل بین حق و تکلیف در جامعه

با به هم خوردن حق و تکلیف، رابطه امنیت اجتماعی به هم می‌خورد. هر فرد حقوقی در قبال افراد دیگر دارد و افراد دیگر نیز تکالیفی نسبت به او دارند. اگر این رابطه حق و تکلیفی در جامعه یک طرفه شود و تنها در افراد، گروه‌ها و شخصیت‌های خاص معنا پیدا کند، امنیت اجتماعی دچار خلل می‌شود و جامعه نظم خود را از دست می‌دهد.



نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد با رویکردی اجتماعی، شیوه‌های رسیدن به امنیت اجتماعی بررسی شود. راهکارهای بیان‌شده در دو بستر بیرونی و درونی مورد بررسی قرار گرفت. در بستر بیرونی، مکانیسم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن بیان و در بستر درونی به مکانیسم‌های نرم‌افزاری راه‌های رسیدن به امنیت اجتماعی پرداخته شد. آنچه در رسیدن به راهکارها، اصل و اساس است، «کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌ها» در بستر اجتماع است. به عبارتی، باید فضایی در جامعه ایجاد شود که فرصت‌یابی بر کاهش تهدیدها غلبه پیدا کند.

در واقع، امنیت تولیدی اجتماعی است که به میزان بلوغ و احساس مسئولیت و مشارکت جامعه قابل حصول است و از طریق مردم تأمین می‌شود و پایدار می‌ماند. لذا تا آسیب‌پذیری انسانی وجود دارد، تهدید هم وجود دارد و با وجود تهدید، رسیدن به امنیت اجتماعی امری مشکل است. در نتیجه باید از فرصت‌سوزی‌ها حذر و به فرصت‌سازی‌ها اتکا کرد.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، به نظر می‌رسد پیشگیری و کنترل باید بر اقتدار اطلاعاتی و روش‌های غیرمستقیم مبتنی باشد تا بر قدرت حضور و مواجهه مستقیم. در نتیجه، نظم و امنیت اجتماعی مقوله‌ای فرابخشی است که همه دستگاه‌ها و نهادها به نوعی در تولید، نگهداری و توسعه آن دخالت دارند. همکاری و هماهنگی نظام‌مند و هم‌راستای کارکردها در این جهت، اهمیتی فوق‌العاده دارد. در واقع، نظم و امنیت موسمی و مقطعی و منحصر به زمان و مکان و طبقه‌ای خاص نیست، بلکه باید عادلانه و بدون تبعیض بر سر شهروندان سایه‌گستر باشد.

از سوی دیگر، نظم و امنیت خواسته‌هایی دائم و در اولویت‌اند که بدون نهادینه شدن و ریشه داشتن در بطن و متن جامعه نمی‌توانند پایدار بمانند. در واقع، نظم و امنیت پدیده‌هایی اجتماعی هستند و هر پدیده اجتماعی، تک بعدی و تک عاملی نیست، بلکه محصول سیستم‌ها و زنجیره‌هایی از مؤلفه‌ها و علل و عواملی است که ملاحظه همه آنها در نظر و عمل یعنی تصمیم‌سازی و اجرا، الزامی است.

درونی کردن هنجارهای اجتماعی میان افراد باید با استفاده از شیوه‌های اثربخش و جدید تعلیم و تربیت انجام گیرد تا فرد در صورت ارتکاب به بزه و جرم دچار تعارض شخصیتی و عذاب وجدان شود. در نتیجه، تعادل بین کنترل‌های درونی (نرم‌افزاری) و بیرونی (سخت‌افزاری- نرم‌افزاری) در جامعه می‌تواند دست‌اندرکاران را به سوی برقراری امنیت مطلوب مساعدت کند.

- طالب، مهدی (۱۳۷۷)، تأمین اجتماعی، مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه امام رضا.
- کرباسیان، مهدی (۱۳۷۵)، «نقش تأمین اجتماعی در فقرزدایی»، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد اول، ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، «امنیت اجتماعی: روایتی جامع» (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- فریزی، دیوید و درک ف سه ی (۱۳۷۴)، درک جامعه، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: آران.
- زیتلین، ایرونیگام و دیگران (۱۳۷۳)، آینده بینان‌گذاران جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: قوس.
- کوئن، بروس (۱۳۷۳)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۲)، قانون امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (بخش مفاهیم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محبوبی منش، حسین (۱۳۸۰)، سلسله مراتب ارزشی دانشجویان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی، پیش درآمدی انتقادی، ترجمه ابوطالب قنایی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- نصیری، قدیر (۱۳۸۱)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، فصلنامه راهبرد (نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک) ش ۲۶، زمستان.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، شاخص‌های امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: مرنديز، ۱۳۷۴.
- صامی، نوذر امین، «نگاهی به تاریخ پوشاک»، کتاب ماه هنر، ش ۱۸.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیراز.
- فصلنامه مطالعات ملی (ویژه هویت ملی) (پاییز ۱۳۷۹)، س ۲.
- ورجاوند، پرویز (اسفند ۱۳۷۵ و فروردین ۱۳۷۶)، «آیین‌های ملی: عامل حفظ وحدت ملی»، گزارش سال هفتم، ش ۷۴-۷۳.
- نجاتیان، حسین (تیر ۱۳۷۴)، «انفجار جمعیت - دشواری تحصیل و افزایش عده بیکاری»، گزارش سال پنجم، ش ۵۳.
- نورالهی، طه (۱۳۸۷)، «رابطه رشد جمعیت با افزایش نیروی کار و گسترش بیکاری»، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۶۱۸، ۲۰ اردیبهشت.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۷۸)، «پویای امنیتی رشد جمعیت در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
- سلطانی، محمدعلی (زمستان ۷۴)، «اثرات جمعیت بر ناهنجاری‌های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، ش ۳۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد: کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: سهامی انتشار، چاپ دوم.
- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۲)، اپوزیسیون توده‌وار: تحلیلی بر بحران خرداد ۸۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسین‌زاده، کریم (۱۳۷۰)، «حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۴۶-۴۵، خرداد و تیر.



- «Three Futures for Israel and Palestine», www.ciaonet.org/wps/mobo7/Index
- www.Ciaonet.org/wps/mobo7/Index
- The Societal Security Dilemma, www.Cianet.org/wps

- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری.
- محسنی، رضا علی (۱۳۷۸)، «شهر و حاشیه‌نشینی»، همشهری، ۱۷ مهر.
- «حاشیه‌نشینی پدیده نگران‌کننده غرب» (۱۳۷۲)، گزارش شماره ۳۷، اسفند.
- تافلر، الوین (۱۳۷۱)، جابه‌جایی در قدرت - دانایی و ثروت و خشونت در آستان قرن ۲۱، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ سوم، تهران، ناشر مترجم.
- تافلر، الوین (۱۳۷۲)، شوک آینده، ترجمه حشمت‌اله کامرانی، چاپ اول، تهران: ناشر مترجم.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کردان، تهران: دانشگاه تهران.
- بشریه، حسین (۱۳۷۳)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۲)، «پلیس و رهیافت اجتماعی توسعه امنیت»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش‌شماره اول، پاییز.
- محققان گورزانی، زهرا (بهمن ۱۳۷۶)، بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی در سندج (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، بهمن.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰)، «گزارش طرح نظرسنجی بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان هشت شهر کشور (تهران، همدان، ارومیه، فارس، کرمان، یزد، اصفهان و مشهد)»، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، ش ۱۲۱، ۲۰ مهر.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۱)، راهنمای سازمان‌های غیردولتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- سیمیر، رضا (۱۳۷۸)، «سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی»، اطلاعات، ش ۲۱۸۶۲، ۱۴ اسفند.
- کار و کارگر (۱۳۷۹)، «جایگاه حقوقی سازمان‌های دولتی در ایران»، ش ۲۶، اردیبهشت.
- بنت، وین و کارن هس (۱۳۸۰)، «انضباط و رفتارهای مسئله‌ساز»، ترجمه عبدالله مجیدی و مجید رضایی زاد، فصلنامه دانش انتظامی، س ۳، ش ۴، زمستان.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۶)، جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: نوبل.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، انومی یا آشفتگی اجتماعی - پژوهشی در زمینه پتانسیل انومی در شهر تهران، تهران: سروش.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۰)، رسانه‌ها و ثبات سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی